**(بازنمایی از غریبگی، اغوا و طغیان فردگرایی:**

**مطالعه­ای داده بنیاد از بازاندیشی هویت در حیات مدرن اجتماعی دختران شهر تهران)**

جواد مداحی

دکتری جامعه شناسی و پژوهشگر گروه مطالعات خانواده پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی، تهران، ایران

jmaddahi@ihss.ir

حسین حیدری

استادیار، جامعه شناسی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی، جهاددانشگاهی، تهران، ایران.

heidari@acecr.ac.ir

**غلامرضا تاجبخش**

دانشیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه آیت‌الله العظمی بروجردی ره، بروجرد، ایران

 tajbakhsh\_gr@yahoo.com

**سعید کبیری**

دکتری جامعه شناسی و پژوهشگر گروه مطالعات خانواده پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی، تهران، ایران skabiri@ihss.ir

**مهدیه آخوندی**

دانشجوی دکتری جامعه شناسی سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

mahdiehakhondi2636@gmail.com

چکیده

بازاندیشی هویت در ابعاد گسترده خود، گزاره­ای جدید از تراژدی حیات مدرن جوانان و وارونگی جدیدی از تعریف هویت به شیوه سنتی آن است. اگرچه برساخت مسئله اجتماعی برای بازاندیشی هویت جوانان، دست‌کم با برداشت‌های اغراق گونه همراه است اما می­توان با تخیل جامعه‌شناسی، به کاربست رویکردی خلاقانه و نو برای هویت گرایی فردی جوانان دست پیدا کرد. بنابراین هدف پژوهش کشف تجربه دختران جوان شهر تهران از بازاندیشی هویت فردی است. پژوهش در رویکرد برساخت گرا و با روش تحقیق کیفی بنیانی اجراشده است. با روش نمونه‌گیری هدفمند (حداکثر تنوع و در دسترس) با تعداد 14 نفر مشارکت‌کننده، مصاحبه نیمه ساختاریافته صورت پذیرفت. جهت تجزیه‌وتحلیل یافته‌ها از روش کدگذاری نظری استفاده شد. در فرایند تحلیل داده‌ها 8 مقوله اصلی ساخته‌شده است که عبارتنداز: مصرف­گرایی افراطی، حداکثر سازی لذت و شعف، گسیختگی همبستگی جمعی، انزوای انتخابی، فراغت‌های پرشور و مدرن، زیست مجازی، علاقه به ناشناختگی و تنوع در سطحی بودن روابط. همچنین طغیان فردگرایی به‌عنوان مقوله نهایی در نظر گرفته‌شده است. بر اساس این مقوله‌ها و جمع‌بندی نهایی، می‌توان گفت در زیست حیات مدرن جوانان، تراژدی از گسیختگی همبستگی‌های جمعی و جذابیت فردگرایی در جریان است، تحلیل و شناخت آن دست‌کم نیاز به تبیینی میدان محور و شناختی عمیق دارد.

واژگان كليدي**: غریبگی، فردگرایی، گسیختگی همبستگی، جوانان، شهر تهران.**

# مقدمه و بیان مسئله

تغییرات فرهنگی جهان مدرن، سستی فرهنگ جمع گرایانه، تغییرات ابعاد و اندازه خانوار، زندگی مستقلانه و جدای از خانواده جوانان جهان جدید، نشان از رشد و توسعه شاخص­های متنوع فردگرایی در میان جوانان می‌باشد (یوجی اوگیهارا[[1]](#footnote-1)، 2023: 3). بازاندیشی هویت در ابعاد گسترده خود، گزاره­ای جدید از تراژدی حیات مدرن جوانان و وارونگی جدیدی از تعریف هویت به شیوه سنتی آن است. هویت­های جدید با برساخت‌هایی نو از نمایش آن‌که نقش نشانه­های جمع گریز و فراکتال ارزش­ها در آن موج می‌زند.

استقلال، فردگرایی و عدم تشکیل خانواده به معنای هنجاری آن در میان جوانان، نشان از فرمی اجتماعی است که در عصر حاضر در حال تبدیل‌شدن به فرمی جهانی است. این نوع گذران زندگی و هویت زیستن جدید به شکلی فردی و به‌دوراز خانواده به‌عنوان پدیده­ای نو و رایج در نقاط مختلف دنیا به‌صورت گسترده در حال شیوع است؛ بصورتیکه می‌توان از آن به‌عنوان مسئله­ای جهانی نام بُرد (کورسلی­-نوردباد و گرئفی[[2]](#footnote-2)، 2015؛ ادارة آمار استرالیا[[3]](#footnote-3)، 2016؛؛ ادارة سرشماری آمریکا[[4]](#footnote-4)، 2016؛ همیوان و همکاران[[5]](#footnote-5)، 2018؛ پارک و همکاران[[6]](#footnote-6)، 2020؛ ماهاراج و شانگاز[[7]](#footnote-7)، 2020؛ هیل[[8]](#footnote-8)، 2020؛ آپوستولو[[9]](#footnote-9)، 2017؛ زارع و همکاران، 1399؛ باقری و مداحی، 1398). بخش قابل توجهی از بحث­ها درباره­ی وضعیت اخلاق اجتماعی جوانان در ايران در چارچوب دوگانه ((جمع گرایی)) و ((فردگرایی)) انجام‌شده است مفاهیمی از قبیل کاهش يگانگی فرد با جامعه، دست زدن افراد به اقدامات فردی باهدف حفظ منافع شخصی، عدم احساس سرنوشت مشترک با ديگر اعضای جامعه، در همین بستر طرح می­شود (اصغری، 1399: 10). در طول چند دهه، دگرگونی­های بزرگی در جامعه ایران روی‌داده و جامعه­ای متفاوت را شکل داده است. ابعاد این تغییر بسیار گسترده است و از ساختار روانی و آگاهی فردی گرفته تا ساختار نهادین جامعه را شامل می­شود. رشد ارزش­های فردگرایانه یکی از این تحولات شگرف است، به این معنا که فرد در دوراهی­های زندگی، انتخاب خود را بیشتر بر اساس ترجیحات فردی، سلیقه­ها و منافع فردی انجام می­دهد (مسیحی و همکاران، 1399: 244). آنچه در جامعه‌ی جدید منجر به القای تفكر هویت بازاندیشانه در جوامع شده است، نوعی تجددگرایی، برساخت علایق و تفکر فردی است. تجددگرایی عبارت است از اصول و جهان‌بینی‌ای که انسان متجدد دارای آن اصول و جهان‌بینی است. به تعبیر دیگر انسان متجدد ازآن‌جهت که انسان متجدد است دارای مجموعه ویژگی‌ها و خصلت‌هایی است که مجموع آن خصلت‌ها و ویژگی‌ها را در انسان پیشامدرن نمی‌توان یكجا یافت و وقتی در همه ویژگی‌ها دقت و تأمل‌کنیم، آشكار می‌شود که پشت پرده این ویژگی‌ها، ویژگی‌ها و خصلت‌های عمیق‌تری وجود دارد که مجموعه‌ای ویژگی‌های عمیق‌تر مؤلفه‌های جهان بینانه انسان متجدد را می‌سازند. به‌عبارت‌دیگر طرز نگرش انسان متجدد به عالم و آدم، خدا، خودش، انسان‌های دیگر، طبیعت، زندگی این جهان، عالم معرفت و عالم عمل مدرنیزم را می‌سازد (حجازی و همکاران، 1400: 423).

در آثار و رویکردهای پرداخته‌شده به مسائل مختلف اجتماعی ازجمله تغییرات سبکی زندگی جوانان به‌ویژه زنان، نگاه غالب به عوارض مسئله اجتماعی است تا پرداختن به سرچشمه آن. در برخورد با مسئله اجتماعی، بخشی از تحلیل­های موجود، افراد را منبع انحراف و منشأ اصلی مسئله اجتماعی دانسته و سعی در تغییر آنان به‌عنوان بیماران و بزهکاران اجتماعی دارند. درصورتی‌که اگر مسئله اجتماعی را امری فردی دانسته و سعی در اصلاح افراد درگیر مسئله بدانیم، به نظر می­رسد دچار اشتباه تحلیلی و عملی در این حوزه می­شویم. بدین ترتیب و با این نوع تحلیل، خودِ اشخاص ازجمله دختران علت شکل‌گیری مسئله هستند و نَه مسائل فرهنگی-اجتماعی مدرن در ابعاد کلان آن و نَه رسانه­های مجازی و اشاعه فرهنگ فردگرای جهانی؛ بنابراین، تفسیر و تحلیل مسائل اجتماعی با این رویکرد، آثار و نتایج زیان­باری دارد؛ زیرا ازآنجاکه سخنی از علل برخاسته از جامعه و فرهنگ به میان نمی­آید، مسائل اجتماعی تشدید شده و دوام پیدا می­کند. این نوع نگاه و تحلیل باعث می­شود که تنها به فرد توجه شده و با تمرکز بر وی، راه­حل­هایی ازجمله درنظرگرفتن مشاوره، هدایت به سمت درمان­های روحی-جسمی و درنهایت تغییر فرد در نظر گرفته می­شود و بنابراین، به نقص­های مهم فرهنگی و اجتماعی توجه نمی­گردد. به نظر می­رسد در نقطه مقابل این نوع نگرش به مسئله اجتماعی، می­توان با نقد فرهنگ نوین جهانی، رسانه‌ای شدن، جنسیت‌زدگی و مصرف­گرایی، به تحلیلی جامع­تر دست‌یافت. همچنین، جهت توجه و تمرکز، از فرد به‌عنوان عامل اصلی پدیدآورنده­ مسئله اجتماعی، به ریشه­های فرهنگی و اجتماعی دخیل در بوجودآمدن آن متمایل می­گردد. مسائل اجتماعی ازجمله طغیان فردگرایی و منفعت‌طلبی و اشاعه آن، پدیده­هایی پیچیده­اند که هم‌ریشه فردی دارند و هم‌ریشه اجتماعی؛ بنابراین، در پرداختن به بازاندیشی هویت جوانان به‌عنوان شکلی از زیست اجتماعی، رعایت توازن در تحلیل لازم است. پژوهش حاضر رسالت جامعه‌شناختی خود را پرداختن به الگوهای اجتماعی و فرهنگی می­داند؛ زیرا موضوع جامعه‌شناسی صرفاً فرد نیست، بلکه موضوع آن، خودِ جامعه است. ازآنجاکه جامعه­شناسان بر زمینه­ها و عوامل مؤثر اجتماعی در هدایت رفتار تأکیددارند، باید بر تحلیلی توأم با نقد از عوامل اجتماعی و فرهنگی در بروز مسئله اجتماعی تأکید گردد. برای اشاره‌ای نظری در طرح مسئله می‌توان از نظریات افرادی چون ژان بودریار جامعه­شناسان مشهور نام برد؛ که در حوزه جوانان، تغییر فرهنگ آنان، مصرف‌گرایی، فردگرایی، مدگرایی جوانان و نقش رسانه­ها در این شکل فرهنگی آثار مطرحی دارد. او جامعه جوان را در معرض فرسودگی می­داند که غرق در فردگرایی شده است؛ جوانی که در دنیایی سرشار از نشانه­های اغواکننده و وانمودها، آرمانی چون لذت و اغوا را در حد بی‌نهایتش طلب می­کند. ژان بودریار، خالق نظریه­های افراطی در جامعه­شناسی، نگاهی منفی و منتقدانه به تکنولوژی و زمینه­های ازبین‌رفتن واقعیت در جامعه دارد. در سوی دیگر، ریچارد سنت، جامعه‌شناس پرآوازه، با نقد فرهنگ و اجتماع مدرن، از مرگ انسانیت عمومی، درگیری گروه­های مختلف اجتماعی به‌ویژه جوانان در فردگرایی و خصوصی شدن زندگی آنان صحبت کرده و تحلیل­های جدید و کاربردی را در این حوزه عرضه می­کند. ریچارد سنت، وظیفه جامعه­شناسی را طرح سؤال‌های منتقدانه در رابطه با مسائل اجتماعی می­داند. او در تحلیل­های خود روند دنیوی شدن زندگی جوانان را عاملی می­داند که از هر زمان دیگری بیشتر به خود واگذارشده‌اند و ما شاهد شکل­گیری شخصیت­های خودشیفته و خودخواهی از آنان هستیم (زارع و همکاران، 1399). ازاین‌رو، مقاله پیشرو به دنبال آن است تا با اتخاذ موضعی تحلیلی، نقش الگوهای اجتماعی-فرهنگی در ترویج این مسئله را پیدا کند. آنچه در این مقاله بیش از همه خودنمایی می­کند فهم جهان زیست، علل و زمینه‌های فردگرایی دختران در شهر تهران و استراتژی­های اتخاذشده از سوی آن در استمرار و بقای زندگی فردی است.

**پیشینه تجربی**

غالب پژوهش­های صورت گرفته در حوزه فردگرایی جوانان و بازاندیشی هویت در زمینه­های بررسی جهانی‌شدن هویت و فردگرایی به‌عنوان بعدی از آن در نظر گرفته‌شده است و معدود پژوهش­هایی پیدا می­شود که با روش‌های کیفی به دنبال به تصویر کشیدن فردگرایی و بازاندیشی هویت فردی و فهم آنان از این زیست جهان جدید باشند. در ادامه به برخی از مهم‌ترین این مطالعات متناسب با سؤالات تحقیق اشاره می‌شود.

مسیحی و همکاران (1400) در پژوهشی به دنبال تحلیل جامعه‌شناختی فردگرایی در بین زنان و مردان و عوامل مرتبط با آن در شهر شیراز بودند. جامعه آماری شامل تمامی شهروندان ۳۰ سال به بالای شهر شیراز اعم از زنان و مردان بوده است. نتایج نشان داده است که میزان فردگرایی ۶۱.۵ درصد از پاسخگویان در حد متوسط است همچنین ۲۲.۴ درصد فردگرایی پایین و ۱۶.۱ درصد نیز دارای فردگرایی بالا بوده­اند. نتایج حاصل از آمار استنباطی نشان داد که تنها دو متغیر با فردگرایی رابطه آماری معناداری نداشته است. این دو متغیر وضعیت تأهل و میزان درآمد است. دیگر متغیرها یعنی سن اعتقادات، مذهبی، جنسیت مقطع تحصیلی، پایگاه اجتماعی- اقتصادی و میزان استفاده از رسانه‌های ارتباط‌جمعی با میزان فردگرایی ارتباط آماری معناداری مشاهده شد. درنتیجه فرضیات مربوط به وضعیت تأهل و درآمد رد شده و سایر فرضیات پژوهش، تأیید قرارگرفته است. نتایج حاصله نشان می‌دهد که با اطمینان ۹۹ درصد میزان فردگرایی بین زنان و مردان متفاوت می‌باشد.

زارع و همکاران (1399) پژوهشی را با عنوان «زیست مجردی جوانان: مسئله‌ای اجتماعی-فرهنگی (رویکردی تحلیلی مبتنی بر آرای ژان بودریار و ریچارد سِنِت)» به انجام رساندند. این مقاله با تأکید بر تخیل جامعه­‌شناسانه به دنبال ابهام­‌زدایی و ایجاد خلاقیت در نگاه به این مسئلۀ اجتماعی بوده است. نتایج تحلیل­ها و مصاحبه­های ارائه‌شده در پژوهش نشان می­دهد نوعی از زندگی در جامعۀ نوین شکل‌گرفته است که در پی محبوبیت فردگرایی، جوان معاصر را با به‌ حداکثر رساندن لذت جنسی و مصرف­‌گرایی، اغوا نموده و پدیده‌­های خیالی- مجازی را برایش تبدیل به واقعیتی تام کرده است.

اصغری (1399) پژوهشی را با عنوان «مفهوم شناسي فردگرايي در ايران و نسبت آن با مفاهيم کلاسيک فردگرايي» به انجام رسانده است. وی در این مقاله معتقد است تفکر درباره¬ی مسائل اخلاقی عرصه‌های فرا فردی که شامل عرصه‌های بین فردی و جامعه‌ای می‌شود، می‌تواند نقاط عزیمت مختلفی داشته باشد یک نقطه‌ی عزیمت که مورد اقبال بسیاری از جامعه شناسان روان شناسان و برخی اخلاق شناسان در ایران قرارگرفته، است، مقوله¬ی فردگرایی و جمع‌گرایی بوده است. اهمیت و ضرورت مفهوم شناسی فردگرایی و جمع‌گرایی ازآن‌روست که محققان ایرانی علی‌رغم استفاده‌ی بسیار از آن‌ها حداکثر به تعریفی کوتاه از این دو اصطلاح بسنده می‌کنند. هدف این مقاله مفهوم شناسی فردگرایی و جمع‌گرایی در ایران است ابتدا به‌مرور و بررسی جایگاه فردگرایی و جمع‌گرایی در نزد شماری از محققان ایرانی می‌پردازیم و تحلیل و استنباط خواهیم کرد که با چه شبکه‌ای از مفاهیم پیوند دارند برجسته بودن خودخواهی و منافع جمعی برای محققان ایرانی در بحث فردگرایی و جمع‌گرایی سبب شده شمار قابل‌توجهی از محققان ایرانی درصدد جستجوی هماهنگی تأکید خود بر عنصر خودخواهی در فردگرایی و بعضاً عنصر توجه به منافع جمعی در جمع‌گرایی با ایده‌ها و مفاهیم برخی متفکران غربی همچون توکویل و دورکیم برآیند. حاصل این بخش از مقاله این بوده که درباره‌ی فردگرایی بین فهم محققان کلاسیک جامعه‌شناسی و فهم محققان ایرانی عمدتاً اختلاف وجود دارد تا توافق.

باقری و همکاران (1398) طی پژوهشی در شهر مشهد به مطالعه علل برساخت معنایی تأخیر سن ازدواج در میان دختران مجرد پرداخته و دریافتند که دختران مجرد در شهر مشهد مجموعه­ای از علل را برای عدم ازدواج خود ارائه کرده و نمی­توان به‌راحتی با علتی واحد این موضوع را تبیین نمود. برخی از مهم‌ترین دلایل شامل: فردگرایی، سبک زندگی مدرن و غربی، جمود و وسواس، عوامل اقتصادی و روابط ناپایدار خانوادگی بود. چابکی (1396) در پژوهشی به دنبال روايت دختران 45 سال به بالاي شهر تهران از علل عدم ازدواج و باقی ماندن در تجرد بود. نتایج پژوهش او نشان داد که نگاه آرمان‌گرایانه دختران به ازدواج، تغيير نگاه نسبت به جايگاه دختران در خانواده و شرايط اجتماعي كاهش دهندة جاذبة ازدواج طبقه­بندي شدند. همچنین نتایج نشان داد تغییر ایده­های دختران از ارزش‌های مادی به فرامادی نقشی مهم در عدم ازدواج آنان دارد. افراشته و فرمانفرمایی (1396) پژوهشی را با عنوان «شناسایي عوامل نفوذ فرهنگي در تمایل افراد به نوع جدید زندگي زوجين (همخانگي)» در میان دختران و پسران تهرانی انجام داده­اند. با توجه به شناسایي عوامل نفوذ فرهنگي در ميان مردان و زناني که تمایل به همخانگي دارند تغييرات اقتصادی، رسانه­های جهاني، تغييرات فرهنگي، تغييرات اجتماعي به ترتيب اولویت­بندی از طریق آزمون فریدمن به‌عنوان عوامل نفوذ فرهنگي شناخته شد. نصرتی نژاد و همکارن (1395) در پژوهش خود به دنبال بررسی جامعه­شناسانه دلایل دیرهنگامی ازواج در میان جوانان شهر طارم بودند. نتایج نشان داد از میان عواملی که تأثیرشان بر دیرهنگامی ازدواج بررسی‌شده است، صرفاً هزینه­های ازدواج و وضعیت شغلی مردان بر دیر هنگامی ازدواج در این شهرستان تأثیرگذارند. در بسیاری از روستاهای ایران متغیرهای غیراقتصادی به دلیل بافت سنتی و کوچکی فضا چندان نمی­توانند نقشی در تأخیر در سن ازدواج ایفا کنند.

در بخش پیشینه­های خارجی نیز توجه ویژه­ای به موضوع مجرد زیستی جوانان شده و از آن به‌عنوان مسئله­ای اجتماعی نام می­برند.

یوجی اوگیهارا[[10]](#footnote-10) (2023) پژوهشی را باهدف بررسی رشد فردگرایی و برهم خوردن ساختار خانواده در کشور چین به انجام رساند. نتایج پژوهش بامطالعه اسنادی پیشینه‌های بررسی‌شده نشان می‌دهد ابعاد خانوار، فردگرایی و عدم اهمیت خانواده در چین در میان جوانان چینی در حال رشد است.

رایمو و همکارن (2021) در پژوهشی که روی دلایل تأخیر ازدواج جوانان در ژاپن به شکل توصیفی و بر اساس داده­های ملی آمار در ژاپن انجام دادند، سه مسیر را برای جوانان مشخص کردند. عدم پذیرش ازدواج توسط جوانان مجرد، عدم تحقق خواسته­های ازدواج و سوق دادن برای برنامه­ریزی به سمت مجردی. نتایج این پژوهش نشان داد بیشتر جوانان مجرد دختر و پسر علاقه به ازدواج دارند اما تحت شرایطی قرارگرفته‌اند که در اختیارشان نیست و به‌اجبار در این شرایط حضور دارند.

آپوستولو و همکارن (2020) در پژوهش خود به دنبال بررسی علل تجربی مجرد ماندن جوانان در کشور آمریکا بودند. نمونه­های این پژوهش شامل 648 مجرد آمریکایی بود. از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر تجرد در این پژوهش مهارت­های پایین دوستی و معاشقه با جنس مخالف، ترس از آسیب دیدن در رابطه، داشتن اولویت‌های روابط متنوع و مسائل جنسی است. به‌طور خاص مردان نشان می­دهند برای اینکه آزاد باشند و بتوانند بیشتر در تعدد روابط باشند مجرد می­مانند درحالی‌که دختران مجرد در ژاپن بیشتر به دنبال عدم صدمه دیدن در رابطه هستند. جوان­ترهای مجرد به دلیل ضعف مهارت مجرد می­مانند درصورتی‌که مجردان مسن‌تر به دلیل آزادی در روابط و عدم مسئولیت مجرد می­مانند.

آپوستولو (2019) در پژوهشی با عنوان «بهای مجرد بودن: تأثیر غیرارادی تجرد بر احساسات و رضایت از زندگی» به این نتیجه رسید که 40 درصد از مجردان موردبررسی پژوهش، افرادی هستند که تجربه تجرد برایشان اجباری و غیر داوطلبانه است. همچنین مشخص شد که مجردهای غیرارادی و اجباری به‌طور قابل‌توجهی احساس منفی بیشتری را تجربه می‌کنند و بین تجرد و احساس عدم رضایت از زندگی رابطه وجود دارد.

 لاپلانت و همکاران (2019) پژوهشی را با عنوان «هم­خانگی بدون ازدواج و باروری در ایرلند به انجام رساندند». تصویری کلی که از نتایج حاصل می­شود این است که در جامعه ایرلند، هم‌بالینی بدون ازدواج و همچنین داشتن فرزند خارج از ازدواج، مورد مقبولیت اجتماعی قرارگرفته است. داشتن فرزندان در یک هم‌بالینی دیگر قبح و زشتی ندارد، اما زنان تحصیل‌کرده بیشتر مستعد این کار هستند. این نوع از زندگی شاید نشانه­ای از طبقه اجتماعی و تمایز باشد.

هیماوان و همکاران (2018) در پژوهشی جامع، نیم‌رخی از وضعیت جوانان مجرد در آسیا را موردبررسی قراردادند. در این پژوهش هم وضعیت کشورهای پیشرفته آسیایی مانند ژاپن و سنگاپور و هم کشورهای درحال‌توسعه مانند مالزی، چین و اندونزی موردبررسی علمی قرار گرفتند. نتایج نشان داد در کشورهای آسیایی که متأثر از فرهنگ غربی هستند تجرد به‌راحتی پذیرفته‌شده و دیگر فشارهای اجتماعی ناشی از سنت­های بومی بر آنان وارد نمی­شود. همچنین نتایج نشان داد اگرچه تعداد جوانان مجرد در کشورهای آسیایی نسبت به غرب همچنان پایین است اما این جمعیت در حال رشد افسارگسیخته­ای است.

با نگاه تحلیلی به پیشینه­های اشاره‌شده می­توان به اهمیت مسئله جوانان، هویت و بازاندیشی در آن به شکلی فردی و شخصی شده در جوامع مختلف از غرب تا شرق پی برد. پیشینه­های پژوهش به‌درستی به جنبه­های شکل­گیری و اشاعه این موضوع پرداخته و می­توانند در نوع نگاه، سطح تحلیل و هدایت پژوهش اثرگذار باشند. باوجوداین، با توجه به سیالیت قیدوبندهای فرهنگ معاصر حاکم بر زندگی جوانان، می­بایست پژوهش­های جامعه­شناسی به رسالت خود یعنی نگاه موشکافانه پرداخته و موضوع هویت و بازاندیشی آن را با رویکردی زمینه­محور و کاوشی عمیق پیگیری کنند. زندگی جوانان به‌ویژه زنان در قیاس با سال­های گذشته و حتی در نتایج پژوهش­های پیشین متغیرتر، سریع­تر و مقتضیات آن بیشتر و بیشتر شده است. جهان زیست و هویت­های محتمل بیشتری در برابر چشمان ما به نمایش گذاشته می­شوند و ما همچنآن‌که جامعه رفته‌رفته چندپاره می­شود باید نقش­ها، علایق، اولویت‌های زیادی را که سریعاً در حال گسترش است مورد واکاوی و پژوهش قرار دهیم و در این تئاتر از زندگی جوانان، با کنار زدن سطح در پژوهش به معنا و نگاه آنان از زندگی‌شان بپردازیم.

**چارچوب مفهومی و مفاهيم حساس نظری**

در این بخش با پرداختن به چارچوب مفهومی و مفاهیم حساس در ارتباط با موضوع تحقیق و ديدگاه­هاي موجود، بخشی از مفاهیم پیونددهنده تحلیل با زمینه پژوهش مرور شده است. به دلیل ماهیت کیفی تحقیق، نظریه و نظم دهی مفهومی تابع آن پس از جمع­آوری داده­ها و انجام بخش اکتشافی از دل کار بیرون می‌آید. درواقع هدف استفاده از مفاهیم در اين پژوهش در ابتدا صرفاً به‌عنوان راهنمايي جهت مفهوم‌سازی و حساسيت نظري است و به دنبال ذهنيتي برساخته از نظريه در جهت جمع‌آوری اطلاعات از پيش تعیین‌شده نيست، زيرا ماهيت پژوهش اکتشافی ورود به ميدان تحقیق با ذهنيتي باز است.

**تأکید بر امر جنسی (هرزه­نگاری)**

بودریار از نظریه‌پردازان معاصری است که در بخش مهمی از نظریات خود بر مسئله جنسیت و هرزه­نگاری و بازاندیشی هویت فردی در میان قشر جوان اجتماع تأکید دارد. او معتقد است «امروزه امر جنسی در رأس مسائل جامعه مصرفی قرار دارد و به نحو چشم­گیری تعیین‌کننده دالّ ارتباطات جمعی شده است. هر چه برای دیدن و شنیدن عرضه می­شود، به‌گونه‌ای آشکار رنگ‌وبوی جنسی به خود گرفته است» (بودریار، ۱۳۸۹: ۲۲۵). این در حالی است که به‌غیراز حوزه­های متعدد غیر مرتبط با جنسیت که با محصولات و اُبژه­های جنسی احاطه و درواقع سرریز شده­اند، حتی یک میلی‌لیتر از حوزه­های تحریک‌آمیز جنسی بلااستفاده باقی گذاشته نشده است» (جی اف هلد، به نقل از بودریار، ۱۳۸۹: ۲۲۵). بودریار مبحث فراواقعیت را در بحث هرزه­نگاری پیگیری می­کند که از نظر او، «پورنوگرافی یک بُعد به فضای جنسیت اضافه می­کند و امری واقعی­تر از واقعیت می­گردد. هیچ لزومی ندارد قوه تخیل خود را برای پورنوگرافی به‌کارگیریم، چراکه با واقعیتی اضافه مسدود شده است» (بودریار، ۱۳۸۶: ۵۰). در فراواقعیت مطرح‌شده در این حوزه می­توان به انتشار تصاویر پیرایش (ادیت) شده مخاطبانِ جوان و عموماً مجرد در شبکه اجتماعی اینستاگرام اشاره نمود که این افراد بویژه در این فضا، ظاهر و پوششی کاملاً متفاوت از جهان واقعیت دارند (زارع و همکاران، 1399).

همچنین در رابطه با بازاندیشی پورنوگرافی وضوح بیش‌ازحد به جزئیات آناتومی بدن اضافه می­کند. وقاحت، اُبژه­هایش را سوزانده و مصرف می­کند. فرد از نمای نزدیک چیزی را می­بیند که قبلاً هرگز ندیده است. نگاه تحریک‌آمیز پورنوگرافی، نگاه شهوت‌آمیز جنسی نیست، بلکه نگاه شهوت‌آمیز تباهی و بازنمایی است، سرگیجه­ای ناشی از بیهودگی نمایش و فوران وقاحت (بودریار، ۱۳۸۶: ۵۱). تبیین نظریه بوردیار دراین‌باره به نظر می­رسد گروهی از جوانان را نمایندگی می­کند که از جنسیت خود درراه تجاری­سازی و بهره­مندی­های مدرن فردی، دست به مبادله‌های نمادین جنسی می­زنند. با نگاهی به شرایط اجتماعی جامعه امروزی ایران و محبوبیت رسانه­ها در میان قشر عظیمی از جامعه به‌ویژه جوانان، بازنمایی نقش درخشندگی و جنسی‌زده‌شدة این شبکه­ها در میان دختران جوان، عرصه­ای گسترده و نامتناهی است.

**انهدام امر واقعی، نقدی بر اغوا**

بودریار «هرزه‌نگاری را بخشی از انهدام امر واقعی و یک وانموده می‌داند. جلوه­های حقیقی که عدم وجود حقیقت را پنهان می‌کند» (بودریار، ۱۳۸۶: ۶۲). ازنظر او «ستاره زن فیلم هرزه‌نگاری، با ایمپلنت‌هایش، جراحی‌های پلاستیک اضافی، تاتوها، آرایش بدن و تغییرات دیگر، می‌تواند زنی لوند و نمایشی را از آن تلقی کرد. او یک اُبژه فراواقعی جنسی است که واقعی‌تر از زنانی است که بیشتر مردان تابحال احتمال مواجه‌شدن با آن‌ها را در زندگی واقعی داشته‌اند» (ریتزر، ۱۳۸۹: ۴۱۹). رسانه­های مورد تأکید بودریار فرا واقعیت‌هایی را می­سازند که در درون خود افراد جذابی را نمایش می­دهند که در عالم واقعیت کمترین شباهت را با افراد عمومی جامعه دارند. این ویژگی جدید در رسانه­های مدرن مجازی، وانمودی از حقیقتی است که وجود خارجی ندارد. در این خصوص، ویژگی منحصربه‌فرد اینترنت آن است که گستره بی‌نهایتی از موضوعات مستهجن بازنمایی شده در هرزه‌نگاری­ها را به‌طور رایگان، ورای زمان و مکان، در اختیار افراد ناشناس قرار می­دهد. شرایط فرهنگی جامعه مدرن، واقعیتی را برای تشخیص اصالت امر اجتماعی باقی نگذاشته است. انهدام امر واقعی، نقد زندگی تکه‌پاره‌شده جوانان در جهان معاصر است؛ تکه­پاره­هایی از زندگی این قشر مهم اجتماعی که با ازبین‌رفتن خانواده به‌عنوان نهادی عقلانی و کاربردی، به‌نوعی از اخلاق زدایی در حوزه عمل و طرد بعضی از روابط پایدار، به روابط تکه‌تکه‌شده و اخلاق‌گرایی جدیدی منجر می­شود. دختران جوان با تأثیر از فرهنگ جهانی و با انهدام اخلاق­های پیشامدرن، در جستجوی راه­های تازه­ای برای سامان‌بخشی زندگی خود برآمده و به دنبال ائتلاف و پیوندهای کوتاه‌مدت­تر و انعطاف‌پذیرتر است. او تعهد را در خارج از زندگی قرار داده و آن را واقعیتی لذت‌بخش و مدرن تلقی می­کند.

**سقوط انسان عمومی (انسان اجتماعی)**

ریچارد سنت بر اضمحلال تدریجی زندگی عمومی کنشگران اجتماعی تأکید می­کند. جامعه­ای جهانی‌شدن که بافرهنگ یکدست در حال حرکت به‌سوی سقوط زندگی عمومی و همبستگی اجتماعی است. ریچارد سنت منتقد سرمایه­داری است و اعتقاد دارد که سرمایه­داری صنعتی و روند دنیوی شدن سبب شده تا انسان هر چه بیشتر به خودش واگذاشته شود، بطوریکه ما شاهد پویایی، خصوصی شدن و ایدئال گشتن خانواده هسته­ای به‌منزله تنها سنگر مقاومت در برابر ازدست‌داده زندگی عمومی هستیم. درواقع، سرمایه­داری سبب تغییر جهت­گیری هدایت شخص از بیرون به سمت درون است و نتیجه آن، پیدایش شخصیت خودشیفته است. ریچارد سنت بر فردگرایی و طرح این سؤال تأکید می­کند که روابط درنهایت چه نفعی برای من دارد؟ تمام سؤالات فرد بر این قضیه تأکید می­کند که خویش خود چه نفع یا سودی از روابط می­برد. ریچارد سنت منتقد فرهنگی است که روابط شخصی، سرد و ناشناخته جای روابط اجتماعی عمومی را گرفته و در مورد خطرات ناشی از فروپاشی حوزه عمومی جامعه هشدار می­دهد (سنت، 1983: 24).

**تمدن شهری و انسان­های بیگانه**

ریچارد سنت در مورد شیوه زندگی به شکل جدید هویتی و فردی بر میدان شهری بسیار تأکید می­کند. تمدن در شهرها به این معناست که با دیگران طوری رفتار کن که گویی آن‌ها بیگانه و غریبه­اند؛ بافاصله با آن‌ها رفتار کن و در روابط با آن‌ها فاصله لازم برقرار کن. زندگی شهری تنها شکل زندگی است که در آن زندگی مشترک انسان­های بیگانه ممکن است. زندگی در شهرها در حال حاضر فاصله زیادی با یک زندگی ایدئال دارد. ناشناختگی، غیرشخصی بودن و بی‌انگیزگی سبب می­شود تا انسان­ها کاملاً از عمومیت کنار بکشند، بجای اینکه در واحدهای اجتماعی مشخص در جستجوی خوشبختی باشند. ریچارد سنت از جماعت­های خاص و پراکنده صحبت می­کند که در جامعه شهری شکل‌گرفته‌اند. انسان­ها در این جماعت­ها می­خواهند باکسانی در ارتباط باشند که تنهاوتنها شبیه خودشان باشند. او این شکل جدید را نوعی قرنطینه­های شخصی می­داند که انسان­ها را از تماس واقعی با یکدیگر محروم می­کند (سنت، 1983: 382). این پناه بردن به جماعت­های محدود خارج از اجتماع، درنهایت به‌نوعی محلی گری تخریبی[[11]](#footnote-11) تبدیل می­شود؛ زندگی قبیله­ای و کوچکی که به‌تدریج موجب سقوط عمومیت و شکل­گیری کسالت و سردی در اجتماع است (کسلر، 1394: 341).

جماعت­های شهری مدنظر ریچارد سنت را می­توان در خرده‌فرهنگ­های جوانان در پاتوق­های کافه نشینی، جماعت­های هنری خاص یا مهمانی­های خصوصی مشاهده نمود. جوانانی که جماعت خاص و کوچک خود را ساخته و ارتباط خود با هنجارها، خانواده و در کل با جامعه را قطع یا کمرنگ می­کنند. این جوانان با محلی گری خاص خود، افرادی که شبیه خودشان نیستند را در این‌گونه جماعت­ها راه نمی­دهند. تبیین این جماعت­ها این است که دیگر در این‌گونه جوامع افراد یکدیگر را حس نمی­کنند، کمک‌کردن و همبستگی گروه­های متفاوت اجتماعی کمرنگ یا شکننده شده است و باوجود آزادی فردی بیشتر، خسرانی از نوع فروپاشی همبستگی و بی­تفاوتی اجتماعی گریبانشان را گرفته است. نمونه این جماعت­ها را می­توان در روایتی از ناظری و هنرپرور (1394) در کتاب «قهوه پسامدرنی و تفکر کافی­شاپی» ملاحظه کرد. در این کتاب، جوانانی ترسیم می­شوند که جماعت­های روشنفکرانه و مدرنی را برای خود ایجاد نموده، از جهان اجتماعی بیرون از کافه خارج‌شده و فرهنگ جدیدی خلق می­کنند. فرهنگی که فردگرایی و به‌نوعی انزوا و جدایی اجتماعی، تداعی خاص آن برای این گروه جوانان است.

**نقد فرسایش هویت در شهر پسامدرن**

به نظر می­رسد اندیشه­های جوانان در زمینه­ هویت آنان، به‌طور ویژه­ای به زندگی در شهر پیوند خورده است. شهری مانند تهران برای برخی گروه‌های دختران جوان به نظر می­رسد به شهری تبدیل‌شده که او را از قیدوبندهای سنت آزاد می­کند؛ آزادی فردی‌ای که به نظر می­رسد برای آنان از تشکیل خانواده مهم­تر شده است

ریچارد سنت در کتاب خود با عنوان «گوشت و سنگ»[[12]](#footnote-12) درصدد تعمیق افکار و جهت­دهی آن به سمت فرسایش هویت اجتماعی در شهر است. انتخاب این عنوان، درواقع، نقد شکل­گیری ساختمان­های بلند در کنار انسان­ها است که مانند کنار هم قرارگرفته انسان به‌عنوان گوشت در کنار ساختمان­های سنگی سرد است. این تصادفی نیست که او بر پیشانی این اثر معروف خود چنین نقلی را از ارسطو می‌گذارد: «شهر از انواع انسان‌های گوناگون تشکیل می­شود، انسان‌ها یکسان، شهری را بنا نمی‌توانند بکنند». البته او در اینجا و بیش از هر چیز درصدد بررسی مسئله فقر حسی در فضای زندگی شهری است. اگرچه به‌ظاهر دوران معاصر و پسامدرن مهر آزادی را بر جبین آدمیان می­زند؛ درواقع فضای شهری به‌تدریج مکان‌هایی را ندارد که انسان‌ها بتوانند در آن با خیال راحت پرسه بزنند و به‌این‌ترتیب از امکان تماس برخوردار باشند؛ بنابراین، فضاهایی که انسان‌ها می‌توانند در آن‌ها با یکدیگر در تماس قرار گیرند و از انزوا خارج شوند، هرروز محدودتر می­شود؛ بطوریکه انسان‌ها این انگیزه را پیدا می‌کنند که هرچه زودتر از آن‌ها بگذرند و نَه اینکه مقداری بنشینند و آنجا با دیگر افراد جامعه تعامل داشته باشند. در این حالت، باوجود عدم مکان­های مناسب شهری، افراد به حال خود رها خواهند شد. شهرهای امروزه هرچه بیشتر به شکل شهرهایی درآمده‌اند که مناسب با نیازهای رانندگان اتومبیل‌ها هستند، نَه عابرین پیاده و در نقشه‌کشی آن‌ها به نیازهای عابرین پیاده توجهی نمی‌شود. درواقع، انسان‌های محفوظ در اتومبیل‌هایی از آهن و شیشه با ترافیک از هر نوع تماس با یکدیگر محروم می‌شوند (سنت، 1994: 21). بررسی آمار مجردان در پژوهش­های مختلف مؤید این موضوع است که بیشتر جمعیت جوانان مجرد در شهرهای مدرن و صنعتی حضور دارند. به این معنا که شهرها با ویژگی­هایی ازجمله جدایی و فضای کاربردی محض، مانعی بر تعامل آدمی فراهم می­کند. روح سرد شهروندان در شهرهای مدرن، راه را برای رها شدن در فردیت جوانان باز گذاشته و مکان­های تعامل اجتماعی و مشارکت اجتماعی را به مکان­های تجاری و سرمایه‌دارانِ تبدیل کرده است. ترافیک شهری، شلوغی جمعیت، عدم سکوت و آرامش، رقابت در کسب درآمد و ماشینی شدن روابط در شهرها، حتی فرصت خیال برای تشکیل خانواده و ازدواج را برای جوانان شهری فراهم نمی­کند و ازبین‌بردن فضاهای غیر صنعتی در راستای منافع پولی، هرروز شهروندان این شهرها را از یکدیگر دور می­کند.

ریچارد سنت در کتاب «خوردگی شخصیت»[[13]](#footnote-13) کاملاً به سمت وحدت، انسجام، هم‌بستگی و ثبات در مفهوم معقول هویت برمی‌گردد و می‌گوید در جهان مدرن انسان­ها ناچارند مدام مکان‌ها و جایگاه شغلی­شان را عوض کنند؛ همین سبب می‌شود تا نتواند زندگی‌نامه آن‌ها را بدون انقطاع روایت کرد و این امر موجب فرسایش هویت آنان است (سنت، 1995: 458). در تحلیل نظریه ریچارد سنت، او منتقد فرهنگی است که هویت جمعی فرد را دچار فرسایش کرده و تأکیدی ماشینی بر پیگیری اهداف شخصی دارد. این نظر نمایش اشاعه فرهنگی در میان جوانان است که در عصر حاضر کمترین جمع­های همبسته ساز، کمترین مسئولیت اجتماعی مشارکت‌کننده و در یک کلمه جوان عمومی را بدل به جوانی فراری از مسئولیت، فردگرا و منزوی کرده است. فرسایش هویت جمعی موردنظر ریچارد سنت، خسران فرهنگ پسامدرنی است که بازاندیشی هویت تنها یکی از خسارت­های مرگ انسان عمومی است و درنهایت کلام سِنِت، می­توان نوعی پیش­بینی فرسایش همبستگی اجتماعی را مشاهده نمود. در تحلیل نقادانه سنت می­توان از بیزاری و بیداد خصوصیت و فردگرایی زندگی جوانان به‌ویژه دختران سخن گفت.

روش تحقيق

هدف این مطالعه فهم و تفسیر تجربه گروهی از دختران شهر تهران از تغییرات ابعاد هویتی (بازاندیشی هویت) و فردگرایی می­باشد. به همین دلیل پارادایم تفسیری برای انجام این پژوهش انتخاب و از روش نظریه­ی زمینه­ای (گراندد تئوری) استفاده شد. این روش در مواردی به کار می­رود که پژوهشگر علاقمند به فهم معنای پدیده از نگاه و تجربه کسانی است که درگیر آن­اند (مریام، 2009: 22)؛ بنابراین پژوهشگران کیفی زمانی از این روش استفاده می­کنند که می­خواهند بفهمند: مردم چه تفسیری از تجربه خود دارند؟ چگونه جهان خود را می­سازند؟ چه برداشتی از تجربه خوددارند؟ (افراسیابی و همکارن، 1399: 5). مشارکت‌کنندگان این پژوهش، دختران 18 تا 37 سال ساکن شهر تهران بودند. برای جمع‌آوری داده­ها با 14 دختر ساکن شهر تهران مصاحبه­های نیمه ساختاریافته انجام شد و پژوهش از جهت داده به اشباع نظری رسید. برای انتخاب مشارکت­کنندگان از روش نمونه­گیری هدفمند استفاده شد. از میان استراتژی‌های مختلف نمونه­گیری هدفمند، نمونه­گیری گلوله برفی یا زنجیره­ای به کار گرفته شد. مصاحبه­ها به‌طور میانگین بین 50 دقیقه تا 2 ساعت زمان برده و در مواردی در چندین جلسه مصاحبه ادامه یافت. مدت‌زمان فرایند جمع­آوری داده و فرایند مصاحبه بیش از یک سال به درازا کشید. تحليل داده­ها با نظام کدگذاری نظری انجام شد. در این نوع کدگذاری که خاص روش نظریه زمینه‌ای است، سه مرحله کدگذاری طی شد: کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری گزینشی. در مرحله کدگذاری باز متن مصاحبه­ها سطر به سطر خوانش و مفهوم بندی شد. در کدگذاری محوری این مفاهیم کنار یکدیگر قرار داده شد و بر اساس هم‌پوشانی معنایی به‌صورت مقولات محوری درآمد و درنهایت مقوله هسته در سطحی انتزاعی­تر از دو مرحله پیشین حاصل شد. ذکر این نکته ضروری است که فرایند کدگذاری داده­ها از مصاحبه دوم به بعد آغاز شد و تا پایان کار تحلیل، مصاحبه و تحلیل به‌صورت هم‌زمان پیش رفت.

**جدول 1- مشخصات دختران مشارکت‌کننده**

|  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| **ردیف** | **نام** | **سن** | **تحصیلات** | **شغل** | **رشته تحصیلی** |
| 1 | مهتاب | 37 | دکتری | مدرس دانشگاه | علوم سیاسی |
| 2 | حنا | 28 | دیپلم | آرایشگر | متوسطه |
| 3 | سارا | 37 | لیسانس | بلاگر | زبان انگلیسی |
| 4 | ندا | 18 | دانشجو کارشناسی | بیکار | کامپیوتر |
| 5 | زهرا | 30 | فوق‌لیسانس | حسابدار | حسابداری |
| 6 | نسرین | 21 | دانشجو کارشناسی | زیبایی | معماری |
| 7 | نگار | 21 | دانشجو کارشناسی | زیبایی | علوم تربیتی |
| 8 | مونا | 24 | کارشناسی | بازاریاب | روان‌شناسی |
| 9 | سحر | 25 | کارشناسی ارشد | منشی | ارتباطات |
| 10 | طناز | 33 | کارشناسی | مربی باشگاه | علوم ورزشی |
| 11 | سهیلا | 33 | کارشناسی ارشد | مربی باشگاه | تربیت‌بدنی |
| 12 | نوشین | 34 | لیسانس | بازیگر | هنر |
| 13 | منیره | 34 | کارشناسی ارشد | کارمند | مدیریت بازرگانی |
| 14 | ستایش | 20 | دانشجو کارشناسی | بیکار | روان‌شناسی |

**اعتبار پذیری:** براي افزایش اعتبار یافته­ها، ارتباط نزدیک و توام با اعتماد با مشارکت­کنندگان ایجاد و در طول بیش از یک سال گردآوري داده، این ارتباط حفظ شد. کنترل توسط اعضا (دیپوی و گیتلین، 2005) در سرتاسر فرایند گردآوری داده­ها برای ارزیابی درستی مشاهدات و تفاسیر پژوهشگر، به کار گرفته شد. مفاهیم برساخته و نتایج پژوهش به‌طور مرتب در فرایند کار و بعد از اتمام تحليل داده­ها با مشارکت‌کنندگان در میان گذاشته شد. پژوهشگران در این مطالعه با مقایسه­های مداوم صحبت­های مشارکت‌کنندگان در کنار توجه به بازخورد آنان از تحليل­ها، تلاش کردند به سطح مناسبی از اطمینان در پژوهش دست یابند. همچنین بخش زیادی از مصاحبه­ها (با رضایت كامل مشارکت‌کنندگان) ضبط شد و بخش دیگر با توجه به نظر مشارکت­کنندگان مبنی بر عدم رضایت ضبط صدا، به‌صورت هم‌زمان در حین مصاحبه یادداشت گردید.

 **ملاحظات اخلاقی:** پیش از شروع مصاحبه، رضایت مشارکت­کنندگان جلب شد. همچنین با توضیح هدف، موضوع و شیوه پژوهش، مصاحبه‌شوندگان با روند کار آشنا شدند تا در صورت تمایل نداشتن به شرکت در مصاحبه قدرت اختیار و انتخاب کافی به آنان داده شود. حفاظت از اطلاعات شخصی و خصوصی افراد بُعدی بسیار مهم در کار پژوهشی است؛ به همین دلیل پژوهشگر با رضایت کامل و با اجازه هر فرد شرکت‌کننده در پژوهش به ضبط، یادداشت و استفاده از داده­ها اقدام کرد و به افراد اطمینان داده شد که اطلاعات به‌طور محرمانه محافظت خواهند شد. ازجمله این اقدامات که برای جلوگیری از فاش شدن هویت واقعی مشارکت­کنندگان به‌کاربرده شد، استفاده از اسامی مستعار در ثبت اطلاعات آنان بود.

یافته‌ها

داده­ها با استفاده از روش کدگذاری نظری تحلیل شدند. در مرحله کدگذاری باز 94 مفهوم اولیه و 8 مقوله اصلی استخراج شدند. در مرحله کدگذاری محوری، روابط بین این مفاهیم و مقولات بررسی و مقولات و مفاهیم تلفیق‌پذیر در یکدیگر ادغام شدند؛ درنهایت، در مرحله کدگذاری گزینشی مقوله نهایی و هسته شکل گرفت. مفاهیم و مقولات جدول (2) نمایی از شرایط علی، شرایط زمینه­ها، شرایط مداخله‌گر، پدیده، استراتژی­ها و پیامدهای بازاندیشی هویت و فردگرایی را نشان می­دهد. مقوله نهایی حاصل از بررسی­ها «طغیان فردگرایی» است. این مقوله روایتگر سنخی از سنخ­های متنوع بازاندیشی هویت و فردگرایی در میان دختران در شهر تهران است. چندوجهی بودن و التقاط مفاهیم مدرن با زیست جهان جوانان، زمینه­های متعددی را برای سبک زندگی این گروه اجتماعی ایجاد کرده است. در ادامه داده­ها بر مبنای اظهارات مشارکت‌کنندگان و دریافت و تحلیل پژوهشگران به‌صورت شرایط علی، شرایط زمینه­ای، شرایط مداخله‌گر، استراتژی­ها و پیامدها صورت‌بندی شده­اند.

**جدول 2- مفاهیم و مقوله­های استخراج‌شده از داده­ها**

|  |  |
| --- | --- |
| **مفاهیم** | **مقولات اصلی** |
| **عادت به خرید، لذت بردن از مصرف نمایشی، مصرف نمایشی، کسب منزلت با مصرف، جلب‌توجه مصرف گرایانه، شأن قائل شدن برای ولخرجی، کلاس اجتماعی با مصرف، تمایز گرایی مصرفی، مصرف برای مصرف، لذت بردن از اسراف، تفریحی دانستن خرید، آرامش گرفتن با خرید، دوری از ناراحتی‌ها با مصرف و خرید، نمایش خود با مصرف، مصرف لاکچری** | **مصرف­گرایی افراطی** |
| **انتخاب لذت‌های رود گذر، لذت طلبی افراطی، لذت‌جویی، مرز قائل نشدن برای لذت بردن، عیش طلبی، عدم پذیرش چارچوب در تمایلات فردی لذت طلبانه، عدم توجه به مضرات لذت خواهی افراطی، تعریف با اصل لذت بردن از زندگی، دوری از هرگونه محدودیت در خوش‌گذرانی، استفاده از هر ابزاری برای خوش بودن، تجربه مصرف مواد برای کسب لذت فراوان، مصرف مشروبات الکلی برای لذت زیاد، عدم ترس از مصرف مواد برای به دست آوردن طغیان لذت، بی‌باکی در لذت‌جویی، هیجان خواهی و شور طلبی افراطی** | **حداکثر سازی لذت و شعف** |
| **تنفر از حضور در جمع‌های فامیلی، عدم تمایل به حضور در میهمانی‌های خانوادگی، خانواده گریزی، اجتماع گریزی، هنجار گریزی، تمسخر هنجاری‌های جمعی جامعه، طرد ارزش‌های جمعی، عدم تمایل به مشارکت‌های اجتماعی، بی‌تفاوتی افراطی، فردگرایی خودخواهانه** | **گسیختگی همبستگی جمعی** |
| **در لاک تنهایی فرورفتن، جذابیت جهان فردی جدید، انتخاب تنهایی، تنهایی معنا نگر، عادت کردن به‌تنهایی زیستن، عدم پذیرش ورود فردی دیگر به‌تنهایی، عدم تمایل به بر هم زدن تنهایی، نمایش انزوا در شبکه‌های اجتماعی، تمایل به تنها دیدن شدن، امتیاز قائل شدن برای تنهایی، مستقل شدن از خانواده و تنهایی زندگی کردن، ترجیح تنهایی، دلبستگی به انزوا** | **انزوای انتخابی و شخصی دیدن زندگی** |
| **فراغت‌های کافه محور، مهمانی‌های مختلط، تفریحات هیجانی، طبیعت‌گردی‌های مدرن، باهم باشی های گروهی، خودی ساختن از جمع‌های دوستی، سیالیت درگذران اوقات فراغت، ایده محوری درگذران اوقات فراغت، تفریحات هنجارشکنانه و پرشور** | **فراغت‌های پرشور و مدرن** |
| **روابط متنوع مجازی، لذت طلبی در فضای دیجیتال، فردگرا شدن بازندگی در فضای مجازی، زندگی اینستاگرامی، اختصاص زمان زیادی بری وب گردی، تنوع‌طلبی‌های غیرواقعی، نمایشی شدن زندگی در فضای مجازی، نقش‌های دروغین زندگی در فضای مجازی، کناره‌گیری از اجتماع با حضور در فضای مجازی، شغل‌های فردی در فضای مجازی، شرط‌بندی‌های مجازی، کسب درآمد در فضای مجازی، عدم تحرک و تنبل شدن با زیست مجازی، بی‌اهمیت شدن ارتباط واقعی با دیگران به‌واسطه زیست مجازی، تغییر روابط اجتماعی با زیست فضای مجازی** | **زیست مجازی** |
| **تمایل به روابط زودگذر، سیالیت ارتباطی جذاب، عدم تعهد در روابط دوستی، عدم اعتقاد به عشق‌های بلندمدت، تمایل به هم‌بالینی‌های خارج از هنجار، تمایل به غریبه شناخته شدن، علاقه به دوستی‌های زودگذر، تنوع‌طلبی در ارتباط با جنس مخالف، تعهد نداشتن در روابط، عادی پنداشتن بسیاری از تجربه‌ها با جنس مخالف** | **علاقه به ناشناختگی و تنوع در سطحی بودن روابط** |

**شرایط علی**

**گسیختگی همبستگی جمعی**، افول سرمایه اجتماعی و تمایل به فردگرایی ازجمله مفاهیم جدیدی است که در جهان زیست مدرن، بحث داغ محافل اجتماعی فرهنگی و دانشگاهی است. بحث داغی تا حد مسئله شدن پیش رفته و بسیاری از جوامع برای حل آن به دنبال تدبیری می‌باشند. اضمحلال زندگی گروهی، فرسایش همبستگی­های اجتماعی و کم‌رنگ شدن سرمایه اجتماعی زندگی جمع­گرایانه افراد به‌ویژه جوانان را در جامعه معاصر دچار چالش نموده است. همان­گونه که ریچارد سنت از بزرگ‌ترین جامعه­شناسان ناقد جامعه سرمایه‌داری ابراز می­کند سرمایه­داری صنعتی و روند دنیوی شدن امور انسان معاصر را بیش از هر چیزی به خود واگذار کرد و او را به فردیت مطلق هدایت می­کند. ریچارد سنت نتنها از ویرانی زندگی عمومی نقد انتقاد می­کند بلکه درنهایت نگران روابط شخصی و صمیمی افراد نیز است. او به‌نقد فرهنگ ترویج‌دهنده روابط ناشناخته می­پردازد و معتقد است این فردگرایی زندگی افراد را تهدید می­کند (کسلر، 1394: 338؛ مداحی و همکاران، 1400).

سحر 25 ساله، دارای مدرک کارشناسی ارشد علوم ارتباطات و منشی کلینیک زیبایی در غرب تهران از علاقه خود به دوری از جمع و همبستگی اجتماعی این‌گونه سخن می­گوید:

*«به نظر من یکی که اصلاً جذاب نیست تو خونه باشی و عمو یا عمت بیان، بروی بشینی پای بحث و حرفشون که چی بشه، بدم میاد از حضور تو جمع های فامیلی و شب نشینی این شکلی، من ترجیح میدهم به ذوق خودم باشم و بهم هر چی می خوان بگن تا به میل دیگران رفتار کنم. خونه گرفتم و دوست داشتم مستقل باشم. اولش هم گفتن مال بابا خوردن نداره، اگه می تونین مثل من از همه بِکنین و خودتون پول در بیارین».*

نگار، 21 ساله دانشجوی کارشناسی علوم سیاسی و شاغل در سالن زیبایی نیز از تمایل به فردگرایی و تمسخر هنجارهای جامعه سخن می گوید:

*«اخلاق مزخرف منه یا اینکه بقیه مزخرفن، اینه که بدم میاد کاری رو که بقیه میگن انجام بدهم، من چیزی رو بخوام باشه، باید باشه و بهش می­رسم، به هیچ عنوان هم واسم مهم نیست بقیه و مردم چی میگن، خیلی چِرت به نظر میرسه که واسم بقیه تکلیف تعیین کنند، همین الان هم با خانوادم خوب نیستم، دائم گند می زنند تو حالم، میام سالن که پیششون نباشم تا آخر شب، فقط برای خواب میرم خونه اونم مستقیم توی اتاق، حالِ غرغر شنیدن و نصیحتم ندارم، جای خنده و تاسف داره که مثلا پست سرم می گن دختر نباید فلان کنه، اینجوری رفتار نکن، اینا ماله قبلاناست، باید بهشون خندید فقط».*

**انزوای انتخابی و شخصی دیدن زندگی**

گسترش فردگرایی مدرن که موجب انفصال در زیست جهان سوژه­ها، تنوع و ناهمگنی زندگی آنان شده؛ تجربه زندگی به صورت فردی، رها و توام با تنهایی خواهی را برای جوانان به تکه پاره­هایی از تنهایی و انزوا تبدیل نموده است از پیامدهای حرکت به سمت فردیتی طغاین گر می‌باشد. متلاشی کردن آیین­های همبسته سازی مانند ازدواج و خانواده­گرایی به شکلی کاملا مبتذل و به شدت بورژمابانه به آیینی تمام قد برای تنهایی و انزوا درآمده است. پدید آوردن گسست از پیوست، ویژگی زمانه مدرن و معاصر است. گسست از اجتماع و فرو رفتن در لاک عزلت و تنهایی نتیجه فردگرایی برخی از دختران در شهر تهران است که حالا دیگر خروج از این نوع زیست برایشان امری سخت و پر مشقت شده است.

طناز 33 ساله، مربی باشگاه بدن سازی در منطقه 4 تهران، از مستقل شدن علاقه به تنهایی زندگی کردن و دلستگی به این تنهایی سخن می گوید:

*«دختری که از خانواده جدا شه، تک و تنها بیاد از شهرستان اینجا کار کنه، دیگران رو مجبور به احترام گذاشتن می­کنه، من همیشه خواسته هام گرون و با ارزش بودن، واسشون جنگیدم، از تنهایی لذت می برم و خیال از دست دادنش رو هم ندارم. آنقدر بدم میاد از کسایی که با دیگران زندگی می کنند، همه بهشون میگن چه دختر سر به راهی، مگر سر به راه بودن فقط با خانواده بودن و تو سری خوردنه، به نظرم زندگی که انتخاب کردم رو بغلش می کنم، عاشق تنهایی ام، توی آیینه همیشه کسی رو می بینم که خودم انتخابش کردم، نه یک مترسک که شبیه خواسته های دیگران هست».*

ندا 18 ساله، دانشجو ترم اول کامپیوتر نیز زندگی خود را مسئله شخصی و نوع گذراندن آن را به خود مربوط می داند:

*«زندگی منه، می­خوام گند بزنم بهش بره، به کسی ربطی نداره چیکارش می کنم من، یارو برگشته بهم میگه تو 18 سالته بچه ای، خوشحالم از این که بگم 6 ماه سینگلم، واس خاطر پسر نمیرم خودمو بکشم، از تنها بودن و سینگل بودنم کیف می کنم، تو بیو اینستام ببینی، سینگلی موج میزنه».*

**حداکثر سازی لذت و شعف**

به نظر می رسد که زندگی، خود برای جوانان در حال مصرف شدن به صورت خصوصی و شخصی، غرق در لذت و طغیان احساسات است. زندگی لذت طلبانه تبدیل به کالایی مصرفی شده که دائما باید آن را در اشکال مختلف مصرف کرد. متناسب با این روال و آرمان لذت، دختران دوران مدرن به دنبال لذت گرایی و تنوع آن را در حد بی نهایت هستند. در حقیقت در طی انجام مصاحبه ها به صورت هدفمند با جوانانی رو به رو می شویم که زندگی خود را با برنامه هایی سراسر از لذت و شعف در گذران اوقات فراغت سپری می کنند.

نسترن 21 ساله، شاغل در یکی از سالن های زیبایی تهران، از لذت بردن بدون محدودیت از زندگی و مصرف مشروبات الکلی و مواد مخدر در میان دوستان خود اینگونه سخن گفت:

*«یکبار فقط پا به این دنیا گذاشتیم، این مضوع باعث میشه زمان رو از دست ندیم، اکیپ خودمون فقط هستیم و بله گاهی نوشیدنی (مشروبات الکلی) می خوریم. کوک و دراگ هم من امتحان کردمش ولی زیاد نه؛ اما دوستام بعضیاشون جدا عادت کردن بهش. به نظرم هر کی انتخاب زندگیش دست خودش هست و بعضی آدما که ممکنه منم شامل اونا بشم، بخوام محدودیت های مختلف رو زیر پام بگذارم و گاهی دست به یه کارایی بزنم که حال بهتری بهم دست بده، به قول بچه ها بریم بالا».*

ستایش 20 ساله، دانشجوی کارشناسی روان شناسی، نیز مانند نسترن دوره جوانی خود را با گذران بر اساس لذت و شعف توضیح داده و معتقد است باید از این دوره با لذت فراوان استفاده کند:

*«نمی خوام مثل بابا مامانا هی حسرت این رو بخورم که از دنیا خیر ندیدم، مگه چند بار من 19، 20، سالگی رو تجربه می کنم، نمی خوام 10 سال بعد بگم دستم به چایی خورد و ریخت رو تقویم زندگی و کل روزاش تلخ شده نه به هیچ کسم اجازه نمی دم مانع این بشه که از زندگی لذت ببرم، اونجوری که می خوام زندگی می­کنم و به خودم مربوطه چظوری بخوام ازش استفاده کنم. باور کن دلم می خواد با دوستام دور هم جمع شیم و گوشی بزارم کنار و ساعت ها هیشکی کاری به کارمون نداشته باشه».*

**شرایط زمینه­ای**

در بخش شرایط زمینه­ای، به زمینه های اصلی ایجاد فردگرایی، لذت طلبی و عدم تعلق به همبستگی‌های جمعی در میان دختران شهر تهران می پردازیم.

**زیست مجازی،** حضور گسترده در فضای شبکه های اجتماعی، عادت کردن به این فضا، شکل گیری روابط گسترده و متنوع در فضایی مجازی، این حوزه پر نفوذ را تبدیل به زیست مکانی جدید و حتی واقعی تر از واقعیت تبدیل کرده است. فضایی که به نوعی با ارئه امکانات جدید در برقراری ارتباط های انسانی، اشتغال و حتی زندگی، زمینه هایی از بروز سبک های جدید زندگی و شکل گیری فردگرایی را تسهیل نموده است.

سهیلا 33 ساله، مربی باشگاه ورزشی بانوان، معتقد است فضای مجازی به ویژه اینستاگرام بسیاری از اصول زندگی را تغییر داده و او در میان مراجعه کنندگان به باشگاه را نیز مشاهده می کند:

*«شما نمی­تونی بگی همه چیز مثلا اینستا بده یا خوبه، اینا نسبی هست نمیشه صفر و صدی بهش نگاه کرد؛ اما بله این حرف درسته که بسیاری از ورزش جو های ما میان اینجا که با لباس لگ ورزشی برای پیج اینستاشون عکس بگیر یا کلیپ بسازن، با مثلا برای دوست پسرشون بخوان فیلم بگیرن. به نظرم کاری که تلگرام و اینستا کردن، اینه که هم راحت تر میشه ارتباط برقرار کرد مخصوصا برای نسل جوان و هم اینجوریه که کسی رو نخوای متونی کاتش کنی رو رابطه رو با و دیگری رِل بزنی».*

حنا 28 ساله، آرایشگر بوده و دارای صفحه شخصی ایسنتا بالای 40 هزار فالوور است. وی مهتقد است فضای مجازی هم زمینه خوبی برای کار و شغل بوده و همچنین زمینه شکل گیری رابطه با جنس مخالف است.

*«ببینید پِیجم رو (صفحه شخصی در اینستاگرام) خیلی ها دارند، بالا 40 کا (هزار)، فالوور دارم. این یعنی اینکه خیلی ها منو می­شناسند. بیشتر مستری های من از این طریق منو شناختن، اومدن کارمو دیدن و مشتری ثابت شدن، خب از اون طرف هم که نگاه می­کنی، خب پسرای مختلفی هم هستند توی پیج میان پیشنهاد می دهند و شمام دستت بازه اگه دنبال رابطه باشه، بری تو پیجش بشناسیش این کیه، کیا واسش کامنت میزاند، سینگله با رِل ثابت داره»*

**فراغت‌های پرشور و مدرن**

گذران اوقات فراغت پر شور و مدرن در میان جوانان نشان­دهنده­ی تغییر تمایلات و هویت­هایی است که تحت تأثیر مدرنیته، متعاقباً مصرف­گرایی­های نمایشی، احساس نیاز در مصرف لذت­های متنوع و درنهایت حذف خود­های هنجارمند از زندگی اجتماعی است. امیالی پراکنده و تنوع خواه که بر ماهیت ناپیوسته و بی‌ثبات تجربه تأکید می­کند. اوقات فراغت به این معنا، حاکمیت تمایلات لذت طلبانه و خوش­گذرانی است. گذران اوقات فراغت به معنا و فرم­های جدیدش، نوعی شرایط را طلب می­کند که جوانان عصر مدرن پایه ثابت شرایط آن به نظر می­رسد. سبکی از گذران اوقات فراغت که با لذت طلبی طغیان گر عجین شده و این خود ترکیبی از اندیشه و عمل را در ایجاد سبک زندگی جدید فراهم می­کند.

مونا، 24 ساله و بازاریاب است. وی ظاهری متفاوت و مدرن دارد. او معتقد است زندگی را باید در سفر، تفریح و هیجان مشاهده نمود. وی خود را فردی هیجان طلب دانسته و معتقد است زندگی در تفریح و خوش گذرانی خلاصه می شود:

*«یه مرضی دارم من، اونم اینه دلم میخواد در حدی خوب بگذره که دهنمون سرویس شه، یعنی یه روز وقت خالی شه پا شی بری شمال، یا بری شبا با خستگی با بچه ها مست کنیم، اصلا هر چی فکرشو کنی باید تجربه کرد به نظرم تو این سن، تفریح هم گروهی حال میده نه تنهایی، آره دیگه همه جورآدم هستن بینمون، از کسایی که چند ساله دوستیم تا افرادی که تازه بهمون ملحق شدن».*

**شرایط مداخله گر**

**علاقه به ناشناختگی و تنوع در سطحی بودن روابط،** غریبگی، اغوا در روابط، سطحی بودن و سیالیت، مفاهیمی هستند که در بازاندیشی هویت دختران در شهر تهران دائما در حال چرخش و بروز می باشند. با نگاهی اجمالی به نظر مشارکت‌کنندگان در رابطه با تمایل به ناشناختگی، غریبه فرض شدن و زیست­شهری در آن می­توان به این جمله زیمل تأمل کرد «شهر موجودیتی جامعه‌شناختی است که بعد مکانی دارد» رسید. مطلب بالا پر از طنین این واقعیت است که شهر تهران محملی برای بازاندیشی هویت فردگرا در میان دختران است. زندگی در شهر مدرن تهران با در هم رفتن سریع تصاویر در حال تغییر و با محرک­های ناگهانی و غیرمنتظره بی‌شمار، فرصت‌های جدید متنوعی را برای جوانان در عرصه انتخاب نوع زندگی فراهم می‌کند. این قضیه باعث به وجود آمدن و ظهور مناسبات اجتماعی جدید در میان جوانان می‌شود که منشأ آن شهر تهران است. همان‌گونه که لوئیس زندگی در شهر تهران شیوه­ای جدید از گذران اوقات را خلق کرده است. در تهران با خیل عظیم جوانانی روبرو هستیم که پرسه‌زنی را به شکل عیان می­توان در آن مشاهده نمود. تفریحات دور و دور و تنوع خواهی تمام‌عیار که همه‌چیز را به‌صورت مقطعی و گذرا تجربه می­کنند؛ بنابراین می‌توان گفت که برای گروهی از دختران تهرانی، عصرغریبگی، سیالیت در روابط با جنس مخالف و اغوا، عصر لذت طلبی، تنوع‌طلبی، مصرف‌گرایی و دعوت به کافه نشینی است که دیگر یک انتخاب نیست و گویا تبدیل به وظیفه ارادی شده است. ظهور فرهنگ لاادری­گری که به‌واسطه شخصیت لذت­گرا عمومیت‌یافته است. تهران به‌عنوان شهری مدرن فضای ایده آل برای پذیرش سبک‌های زندگی و گذران اوقات فراغت متفاوت در زمان‌ها و مکان‌ها متفاوت است (مداحی و همکاران، 1400).

منیره، 34 ساله و کارمند اداری است. وی هدف از شاغل شدن خود را مهاجرت به شهر تهران و زندگی در شهری بزرگ و عدم شناخته شدن در آن می­داند.

*«کلی نشستم خوندم تا تهران استخدامی قبول شم، انصافا قبولیش سختم بود ولی دوست داشتم بیام اینجا. چرا؟ به دلیل اینکه تهران بهترین شهر ایرانه، اینجا می تونی جوری که می­خوای زندگی کنی، نمی شناسیه کی هستی تو اصلا، با کی میری با کی میای، دخالتی نمی کنند، مردم فرهنگشون بالاست».*

نوشین، 34 ساله و بازیگر تئاتر و سینماست. وی روابط مختلف با جنس مخالف را برای خود امری عادی دانسته و معتقد است این مسائل دیگر جای بحثی برایش ندارد:

*«اینکه الان شما ازم می پرسی در مورد روابطم، این اول مسئله کاملا شخصی هست و دوما این موضوعات دیگه برای من یکی حل شده. عادیه بخوام ارتباط داشته باشم و دوستای زیادی دارم که قاطیشون پسر هم زیاد هست. لول بندی شدن و با بعضی ها خیلی صمیمی و بازی ها سوشیال فرندم».*

**پیامدها**

بازاندیشی هویت، فردگرایی و سطحی شدن لذت های فردی، ارتباط های مجازی و ... همه پیامدهایی داشته که می‌توان مصرف گرایی را در این فرایند بازاندیشی هویت بسیار موثر و تبیین گر مشاهده کرد. مصرف گرایی که با فراکتال ارزش های، گزاره هایی جدید از هویت برای دختران در شهر تهران خلق نموده و به نوعی ذائقه مصرف و هبیتاس ذهنی خرید را برای آنان تغییر داده است.

ندا 18 ساله، دانشجوی ترم اول کارشناسی کامپیوتر خرید کردن را برای خود منزلت و کلاس اجتماعی دانسته و از نمایش آن لذت می برد:

*«اینو نمیشه به بقیه گفت ولی اینکه میگی واقعیت رو بگم، واقعیت اینه که خرید می کنم که پستش رو بزارم تو پیجم، اینکه دوستام ببینن بهم لذت میده، خیلی هم مهمه کامنتشون چیه و مخصوصا بعضی ها خیلی مهم تر هستند. کیه بگه جلب توجه و دیده شدن رو دوست نداره؟ اینکه بهت احترام بزاند از هوا که نمیاد، باید یه جوری ببیننت یا خیر؟».*

مهتاب، 37 ساله و دارای مدرک دکتری نیز سخنانی مشابه با ندا دارد:

*«این روزها اگر استوری نگذارید، اگر لباس مارک نپوشی، به روز نباشی بهت عقب مانده می گویند. چه بخواهی چه نخواهی فضای جهان اینگونه شده است. به قولی باید لاکچری باشی، حتی من دختر اگر لاکچری نباشم، کسی سمتم نمیاد».*

بحث و نتيجه‌گيري

رویکرد مقاله حاضر متکی بر تجزیه‌وتحلیل نگاه­های متفاوتی است که در قلمروهای متنوع زیست جهان دختران به‌عنوان یک مسئله اجتماعی مطرح می­شود. مسئله­ای اجتماعی که حالا با ابعاد مختلف و روندی مدرن در حال گسترش بوده و ویژگی­های از فردگرایی مدرن، بازاندیشی هویت فردی و خواسته­هایی جدید از زیست را به نمایش می­گذارد. برای پی بردن دلایل بازاندیشی هویت و فردگرایی در شهر تهران، بیش از هر چیزی ضروری است که به زمینه­ها، عوامل علی و معانی کنش­هایی که سوژه­ها برای کنش خود قائل هستند، پرداخت. این پژوهش با رویکردی امیک، دختران جوان را سوژه­ها و عاملینی فعال دانسته که با توجه به شرایط متفاوت جهان معاصر زیست جهانی جدید را انتخاب کرده­اند. زیست جهانی که لذت و ندامت، خوشی و انزوا، اضطراب و سرخوشی را توأمان داشته و چالشی جدید را خلق نموده است.

**پدیده:**

طغیان فردگرایی

**شرایط علی**:

گسیختگی همبستگی جمعی، انزوای انتخابی و شخصی دیدن زندگی

حداکثر سازی لذت و شعف

**شرایط زمینه­ای:**

زیست مجازی و

فراغت پرشور و مدرن

**شرایط مداخله گر:**

علاقه به ناشناختگی و

تنوع در سطحی بودن روابط

**استراتژی ها:**

بازاندیشی هویت، فردگرایی و سطحی شدن لذت های فردی، ارتباط های مجازی ، مصرف گرایی

**پیامدها:**

انزوا، تنهایی، فردی شدن خواسته ها و دوری از همبستگی اجتماعی، عدم مشارکت اجتماعی

**نمودار شماره (1): مدل پارادایمی پدیده فردگرایی**

مطابق مدل پديدار شده، محور اصلي، طغیان و افسارگسیختگی فردگرایی و بازاندیشی هویت است. كنشي با بازاندیشی­های مختلف هویتی كه به ما مي­گويد چه چيزي در هویت پذیری برخی دختران در شهر تهران در جريان است. در جهان معاصر ما شاهد پدید آمدن فرمی از بازاندیشی هویت هستیم که نتنها در ایران بلکه به استناد پژوهش­های خارجی، به مسئله­ای جهانی بدل شده است. از شرایط علی بازاندیشی هویت اشاره‌شده در مدل پارادایمی، گسیختگی جمعی، انزوا و تنهایی و حداکثر سازی لذت‌ها و تمایلات فردی از عوامل بااهمیت محسوب می­شوند. گسیختگی که نتیجه نمایش مستمر فرهنگ مدرن و درخواست­های مصرانه نظام فرهنگی سرمایه­داری و دنیای صنعتی است. نظامی از فرهنگ مصرف‌گرا و منفعت‌طلب به شکلی جهانی در حال اشاعه است که سطح شایستگی اجتماعی را بر فردگرایی و لذت طلبی آن­هم درنهایت حدش می­داند. فردی شدن و فردی دیدن تمامی امور زندگی و تأکید بر منافع فردی، اولین قربانی­اش هویت­های جمع‌گرا و همبستگی اجتماعی است. درواقع در اینجا باید گفت ایدئولوژی فردگرایی و رهایی از قیدوبندهای هنجار ساز اجتماعی نقش خود را با تمام قدرت ایفا کرده و با اغوای جوانان آنان را به لاک خصوصی‌گرایی می­کشاند. این فردی شدن و فردی دیدن تمامی امور در میان دختران، همسو است با نظریه بازاندیشی مورد تأکید گیدنز در رابطه با آزادی و حق انتخاب­های فردی در جهان مدرن (گیدنز، 1377). پژوهش­های مداحی و همکاران (1400)، زارع و همکاران (1399)، باقری، مداحی و لطفی خاچکی (1398) و چابکی (1396) نیز نقش عوامل فردی را در فرهنگ پذیری جوانان مؤثر می­دانند. آپوستولو و همکاران (2017) و همیوان و همکاران (2018) نیز در پژوهش‌های خود تغییرات تمایلات فردی جوانان و حرکت آنان به سمت زندگی به شکل تنهایی را نوعی انتخاب فردگرایانه و خارج شدن از محدودیت‌ها می­دانند. در بخش بعدی مدل، شرايط زمينه­ای مجموعة خاصي از شرايط است كه در یک‌زمان و مكان خاص جمع شده تا مجموع اوضاع، احوال و مسائلي را پدیدآورند كه اشخاص با عمل و تعاملات خاص به آ­ن­ها پاسخ مي­دهند. زیست مجازی، زندگی در فضایی دیجیتالی و گذران اوقات فراغت به شکل مدرن آن، شرایطی است که در تجربه زیستی جدید را برای برخی جوانان ایجاد نموده و فرایند جداسازی اجتماعی آنان و دوری از نقش‌های هنجاری ساز را برایشان فراهم می­کند. تعاملات گسترده و تنوع در اوقات فراغت، تنوع در برنامه­های زندگی و نوع گذران زمان، مواردی است که با بازاندیشی هویت‌های جدید تحقق پیداکرده و فرد را غرق در انگیزه­های شخصی شده می­کند. دراین‌بین دختران در شهر تهران، با زیست مکانی شهری و شاید بتوان گفت پساشهری مواجه هستند. در درواقع می‌توان تهران را شهری دانست که حاد واقعیت در آن به معنای کامل رخ‌داده است. شهری که در آن واقعیت و هنجار زیر سطوح درخشان پرزرق‌وبرق و اغواگرایانه وانمودها یکسره ناپدیدشده است. شهری که در آن به اذعان برخی دختران موردمطالعه، عدم توجه به برخی هنجارهای اجتماعی، تابو نبوده و امری فراگیر است. کلارک در کتاب جامعه مصرفی و شهر پسامدرن (1396) خود نیز بر نقش شهر ایجاد سبک زندگی مدرن تأکید دارد. کلارک به نقل از بودریار در رابطه با شهر معتقد است، شهر در تمامی شکل خود با سنت ضدیت دارد (کلارک، 1396: 210؛ مداحی و همکاران؛ 1400). در مقابل شرايط زمينه­ای، شرايط مداخله­ای وجود دارند كه در تحقق راهكارها نقش ترمز را ايفا می‌کنند (ایمان زاده و همکاران، 1396: 61). درواقع، شرايط مداخله‌گر نقش تشدیدکننده، تغییردهنده و در مواقعي هم كُند كنندة پديده را ايفا مي­كند كه در اينجا شرايط مداخله­گر نوعي دليل تشديد اين پديده را به‌وضوح نشان می‌دهند. علاقه به ناشناختگی و تنوع در سطحی بودن روابط از جمله شرایط مداخله‌گر در فرایند بازاندیشی هویت فردی دختران مورد تبیین قرار می­گیرد. ریچارد سنت در کتاب خود با عنوان «گوشت و سنگ»[[14]](#footnote-14) درصدد تعمیق افکار و جهت­دهی آن به سمت فرسایش هویت اجتماعی در شهر است. اگرچه به‌ظاهر دوران معاصر و پسامدرن مهر آزادی را بر جبین آدمیان می­زند؛ درواقع فضای شهری به‌تدریج مکان‌هایی را ندارد که انسان‌ها بتوانند در آن با خیال راحت پرسه بزنند و به‌این‌ترتیب از امکان تماس برخوردار باشند؛ بنابراین، فضاهایی که انسان‌ها می‌توانند در آن‌ها با یکدیگر در تماس قرار گیرند و از انزوا خارج شوند، هرروز محدودتر می­شود؛ بطوریکه انسان‌ها این انگیزه را پیدا می‌کنند که هرچه زودتر از آن‌ها بگذرند و نَه اینکه مقداری بنشینند و آنجا با دیگر افراد جامعه تعامل داشته باشند. در این حالت، باوجود عدم مکان­های مناسب شهری، افراد به حال خود رها خواهند شد. شهرهای امروزه هرچه بیشتر به شکل شهرهایی درآمده‌اند که مناسب با نیازهای رانندگان اتومبیل‌ها هستند، نَه عابرین پیاده و در نقشه‌کشی آن‌ها به نیازهای عابرین پیاده توجهی نمی‌شود. درواقع، انسان‌های محفوظ در اتومبیل‌هایی از آهن و شیشه با ترافیک از هر نوع تماس با یکدیگر محروم می‌شوند (سنت، 1994: 21). در تحلیل نظریه ریچارد سنت، او منتقد فرهنگی است که هویت جمعی فرد را دچار فرسایش کرده و تأکیدی ماشینی بر پیگیری اهداف شخصی دارد. این نظر نمایش اشاعه فرهنگی در میان جوانان است که در عصر حاضر کمترین جمع­های همبسته‌ساز، کمترین مسئولیت اجتماعی مشارکت‌ساز و در یک کلمه جوان عمومی را بدل به جوانی فراری از مسئولیت، فردگرا و منزوی کرده است. فرسایش هویت جمعی موردنظر ریچارد سنت، خسران فرهنگ پسامدرنی است که بازاندیشی هویت و فردگرایی تنها یکی از خسارت­های مرگ انسان عمومی است و درنهایت کلام سِنِت، می­توان نوعی پیش­بینی فرسایش همبستگی اجتماعی را مشاهده نمود. بخشی از این فرسایش هویت را می‌توان در تمایل به غریبگی و ناشناخته بودن در شهر تهران تبیین نمود. درواقع، می­توان این‌گونه نظر داد که در سپهر هویتی دختران در شهر تهران، نسیم فردگرایی و تنها محوری می­وزد. مجموع عوامل موردنظر، بر این موضوع تأکید دارد که در پرداختن به مسئله طغیان فردگرایی و ارائه راه‌حل برای آن باید دیدی تحلیلی و علمی داشت. در این میان، نقش جامعه­شناسان بسیار اهمیت پیدا می­کند. بازاندیشی هویت جوانان به‌عنوان یک تجربه اجتماعی جدید، مسئله­ای دشوار و چندپاره­ است؛ اما این به معنای حل ناشدنی بودن آن­ نیست. می­توان به‌عنوان جامعه­شناس­ کاری انجام داد. جامعه­شناس باید تحلیل­هایی که در غالب اوقات به‌صورت سطحی هدایت­گر برنامه­ریزی­­های اجتماعی است را کنار زده و مسئله را به‌صورت ریشه­ای شناسایی کند. برای حل مسئله­ای مانند فردگرایی و بازاندیشی هویت، ابتدا باید خارج از برچسب­های رایج و قضاوت­های ازپیش‌موجود، به شناخت و تشخیص این گروه عظیم اجتماع پرداخت. زبان آنان، جماعت­های مجازی و مکانی آنان را فهمید، به نظاره نشست و تعاملی مشارکتی با آنان برپا و سپس آسیب­شناسی کرد. همچنین، باید در گام دوم این موضوع را مدنظر قرارداد که راه‌حل مسئله جوانان رعایت شأن و احترام متقابل و در کنار آن ارائه حمایت اجتماعی برای پیشگیری از رهاشدگی و طرد آنان باشد. جامعه باید بپذیرد در شکل­گیری هر مسئله­ اجتماعی ازجمله کاهش همبستگی اجتماعی، عدم اجتماع‌محوری و مسئولیت‌پذیری اجتماعی جوانان، دچار غفلت شده و برای راه‌حل آن به دنبال راهکاری از خود میدان مسئله باشد نَه از خارج از میدان اجتماعی و ارائه برنامه­های غیر کارشناسی. در این پژوهش سعی شد تا حساسیت و دغدغه­ای نسبت به مسئله­ای اجتماعی جلب شده و با شناخت عوامل مدرن، نگاه را از سطح به ریشه مسئله بُرد.

منابع

افراسیابی، حسین، برزیده، کسری، جوادیان، سیدرضا. (1399). سازگاری پرنوسان در تعاملات اجتماعی بیماران سرطانی؛ مطالعۀ کیفی در شهر اهواز. *جامعه شناسی کاربردی*، 31(1), 1-16.

افراشته، مهری و فرامانفرمایی، تکتم (1396). شناسایی عوامل نفوذ فرهنگی در تمایل افراد به نوع جدید زندگی زوجین (هم‌خانگی)، *فصلنامه مدیریت فرهنگی،*دوره 11، شماره 2 (پیاپی 37): 99-108.

ایمان­زاده، ایمان؛ محمد زاده، صدیقه و علیپور، سریه (1396) «تجربیات زیسته دانشجویان تحصیلات تکمیلی دختر دانشگاه تبریز از ازدواج دیرهنگام (مطالعه ای پدیدار شناختی)». *زن در فرهنگ و هنر*، دوره 9، شماره ۴: ۵۴۱-۵۶۰.

اصغری, سیدعلی. (1399). مفهوم‌شناسی فردگرایی در ایران و نسبت آن با مفاهیم کلاسیک فردگرایی. جامعه‌شناسی نهادهای اجتماعی, 7(15): 9-30.

باقری، شهلا؛ مداحی، جواد و لطفی خاچکی، طاهره (1398) «برساخت معنايي تأخير سن ازدواج بر اساس نظرية زمينه­اي (مطالعة موردي: دانشجويان دختر شهر مشهد). *زن در توسعه و سياست*، دورة 17، شمارة 1: 43-69.

باومن، زیگمونت (1384)، *عشق سیال؛ در باب ناپایداری پیوندهای انسانی*، ترجمۀ عرفان ثابتی، تهران: نشر ققنوس.

بودريار، ژان (1386) *اغوا*. ترجمة ايمن قضايي، پاريس: شعر.

بودريار، ژان (1389) جامعة مصرفي. اسطوره­ها و ساختارها، ترجمة پيروز ايزدي، تهران: ثالث.

چابکی، ام البنین. (1395). روایت دختران 45 سال به بالای شهر تهران از علل تجرد قطعی. *مجلة مطالعات اجتماعی ایران*، 10(2-3), 102-123.

حجازی، سیدناصر؛ نوابخش، مهرداد و هاشمیان فر، سیدعلی. (1400). بررسی میزان تجددگرایی و تأثیر آن بر بازاندیشی هویت جوانان. ماهنامه جامعه شناسی سیاسی ایران، 4(2): 422-438.

زارع بیژن، سراج زاده سید حسین، حبیب پور گتابی کرم، مداحی جواد. زیست مجردی جوانان: مسئله‌ای اجتماعی-فرهنگی (رویکردی تحلیلی مبتنی بر آرای ژان بودریار و ریچارد سِنِت). مسائل اجتماعی ایران ۱۳۹۹; ۱۱ (۲) :۱۲۳-۹۷

کسلر، دیرک (1394) *نظریه­های روز جامعه شناسی از ایزنشتات تا پسامدرن­ها*. ترجمه کرامت الله راسخ، نشر آگه.

کسلر، دیرک (1394) نظریه­های روز جامعه شناسی از ایزنشتات تا پسامدرن­ها. ترجمه کرامت الله راسخ، نشر آگه.

کلارک، دیوید (1396). *جامعه مصرفی و شهرپسامدرن*. ترجمه حمید پورنگ، تهران: انتشارات علمی فرهنگی.

گلن وارد (1396)، *پست مدرنیسم*، ترجمه: فخر رنجبری، قادر و کرمی، ابوذر. تهران: انتشارات ماهی، چاپ ششم.

گیدنز، آنتونی (۱۳۷۷). *پیامانه های مدرنیته*. ترجمه محسن ثلاثی، تهران: نشر مرکز.

گین، نیکلاس (1389) ماکس وبر و نظریه پست­مدرن (جدال عقل و افسون). ترجمه: مصدق، محمود، تهران: انتشارات نهادگرا.

مداحی، جواد؛ زارع، بیژن؛ سراج زاده، سید حسین و حبیب پور گتابی، کرم. (1400). مسئله تجرد: سوژه و زیست‌جهانِ نو پدید دختران شهر تهران. بررسی مسائل اجتماعی ایران، 12(1): 7-43.

مسیحی، مهدی؛ کلدی، علی رضا و مهدوی، سید محمد صادق. (1399). تحلیل جامعه شناختی فردگرایی در بین زنان و مردان و عوامل مرتبط با آن (مطالعه موردی: افراد 30 سال به بالای شهر شیراز). فصلنامه زن و جامعه, 11(43): 243-258.

 ناظری، مهرداد و هنرپرور، ایمان (1394) *قهوه پسامدرن و تفکرکافی شاپی*. چاپ اول، تهران: انتشارات علم.

نصرتی نژاد، فرهاد؛ شریفیان ثانی، مریم و محمدی نوبری، علی (1395). تبیین جامعه شناختی دیرهنگامیِ ازدواج در میان جوانان شهرستان طارم، *دوفصلنامه مسائل اجتماعی ایران*، دوره ۷، شماره ۲: ۱۴۱-۱۵۸.

Apostolou, M. Papadopoulou, I. & Georgiadou, P. (2019). Are people single by choice? Involuntary singlehood in an evolutionary perspective. *Evolutionary Psychological Science*, *5*(1), 98-103.

Apostolou, M., Jiaqing, O., & Esposito, G. (2020). Singles’ reasons for being single: Empirical evidence from an evolutionary perspective. *Frontiers in psychology*, *11*.

Australian Bureau of Statistics. (2016). Marriages and divorces, Australia, 2015. Retrieved from [http://www.abs.gov.au/ausstats/abs@.nsf/mf/](http://www.abs.gov.au/ausstats/abs%40.nsf/mf/) 3310.0.

*Clarke, J. & Fletcher, P. (2003) “Communication on Issues Faced by Parents who Have a Child Diagnosed with Cancer.” Journal of Pediatric Oncology Nursing, 20 (4): 175-191.*

*Ogihara, Y. (2023). Chinese culture became more individualistic: Evidence from family structure, 1953-2017. F1000Research, 12(10), 10.*

 Corselli-Nordblad, L., & Gereoffy, A. (2015). Marriage and birth statistics-living together in the EU... Retrieved Fr [http://ec.europa.eu/ eurostat/statisticsexplained/index.php/Marriage\_and\_birth\_statistics\_new\_ways\_of\_living\_](http://ec.europa.eu/%20eurostat/statisticsexplained/index.php/Marriage_and_birth_statistics_new_ways_of_living_) together\_in\_the\_EU.

 Himawan, K. K., Bambling, M., & Edirippulige, S. (2018). The Asian single profiles: Discovering many faces of never married adults in Asia. *Journal of Family Issues*, *39*(14), 3667-3689.

Laplante, B., Castro-Martín, T., Cortina, C., & Fostik, A. (2020). Unmarried cohabitation and its fertility in Ireland: Towards post-Catholic family dynamics?. *Irish Journal of Sociology*, *28*(1), 5-28.

Merriam, S. (2009) *Qualitative Research: a Guide to Design and Implementation*. San Francisco:Jossey-Bass.

Park, Y., Impett, E. A., & MacDonald, G. (2020). Singles’ Sexual Satisfaction is Associated with More Satisfaction with Singlehood and Less Interest in Marriage. *Personality and Social Psychology Bulletin*, 0146167220942361.

Pranitha Maharaj, Thembalethu Shangase (2020), Reasons for Delaying Marriage: Attitudes of Young, Educated Women in South Africa, *Journal of Comparative Family Studies*Volume 51 Number 1, 2020 10.3138/jcfs.51.1.002

Sennet, Richard (1994): flesh and stone. The body and the city in western civilization. New York, London.

 Sennet, Richard 1977: the fall of public man (Dt. Verfall und ende des offentlichen lebens. Vie Tyrannei der lntimitat. Frankfurt/M. 1983).

 Sennett, Richard 1994: Flesh and Stone. The Body and the City in Western Civilization. New York, London. (Dt. Fleisch und Stein. Der Körper und die Stadt in der westlichen Zivilisation. Berlin 1995).

 Sennett, Richard 1995: "Die Unbehaustheit. Ein Gespräch mit dem amerikanischen Stadtsoziologen Richard Sennett", in: Frankfurter Puu 2010 (22.12.2005 2.17 eit iind Rild).

**representation of strangeness Seduction and outburst of individualism: A study given by the Foundation on the rethinking of identity in the modern social life of girls in Tehran**

|  |  |
| --- | --- |
| **Javad Maddahi** Doctor of Sociology and Researcher of the Family Studies Department of Jihad University Institute of Human Sciences and Social Studies, Tehran, Iranjmaddahi@ihss.ir | **Hossein Heydari**Assistant Professor, Sociology, Institute of Humanities and Social Studies, Jihad University, Tehran, Iran.heidari@acecr.ac.ir |
| **Gholamreza Tajbakhsh**Associate Professor, Department of Sociology, Grand Ayatollah Azami University, Borujerd, Iran taybakhsh\_gr@yahoo.com |

**Saeed Kabiri**

Doctor of Sociology and Researcher of the Family Studies

Department of Jihad Academician Institute of Human Sciences

and Social Studies, Tehran, Iran skabiri@ihss.ir

**Mahdia Akhondi**

PhD student in Political Sociology, Islamic Azad University, Tehran, Iran

mahdiehakhondi2636@gmail.com

## **Abstract**

Rethinking identity in its broad dimensions is a new statement of the tragedy of modern youth life and a new inversion of defining identity in its traditional way. Although the construction of the social problem to rethink the identity of the youth is at least associated with exaggerated perceptions, but with the imagination of sociology, a creative and new approach can be achieved for the individual identity of the youth. Therefore, the aim of the research is to discover the experience of young girls in Tehran from rethinking individual identity. The research was carried out in a construction-oriented approach and with the basic qualitative research method. A semi-structured interview was conducted with 14 participants using the targeted sampling method (maximum variety and availability). The theoretical coding method was used to analyze the findings. In the process of data analysis, 8 main categories were created, which are: extreme consumerism, maximization of pleasure and joy, rupture of collective solidarity, selective isolation, passionate and modern leisure, virtual life, interest in unknown and diversity in superficiality. Relationships. Also, the rise of individualism is considered as the final category. Based on these categories and the final summary, it can be said that in the modern life of young people, there is a tragedy of the breaking of collective solidarity and the appeal of individualism, its analysis and recognition at least requires a field-oriented and deep cognitive explanation.

## **Keywords**: Strangeness, individualism, breaking of solidarity, youth, Tehran city.

1. Yuji Ogihara [↑](#footnote-ref-1)
2. . Corselli-Nordblad & Gereoffy [↑](#footnote-ref-2)
3. . Australian Bureau of Statistics [↑](#footnote-ref-3)
4. . USA Census Bureau [↑](#footnote-ref-4)
5. . Himawan et al. [↑](#footnote-ref-5)
6. . Park et al. [↑](#footnote-ref-6)
7. . Maharaj & Shangase [↑](#footnote-ref-7)
8. . Eboni Hill [↑](#footnote-ref-8)
9. . Apostolou [↑](#footnote-ref-9)
10. Yuji Ogihara [↑](#footnote-ref-10)
11. . Destructive localism [↑](#footnote-ref-11)
12. . Flesh and Stone [↑](#footnote-ref-12)
13. . The Corrosion of Character [↑](#footnote-ref-13)
14. . Flesh and Stone [↑](#footnote-ref-14)